

دست درازی روز افزون دولت بر "نان" مردم

تلخکامی قصه افزایش قیمت نان تمامی ندارد. در سال های گذشته به رغم افزایش دست کم ۳۰ درصدی هر ساله نرخ نان، اندازه های نان کوچک شد، کیفیت نان پائین آمد، وزن چانه های خمیر نان کاهش یافت و نان با نرخ های متفاوت در نانوایی های هر استان و شهر و منطقه، و حتی محله و خیابان عرضه شد. هرج و مرج در قیمت ها و بازار نان هر ساله گسترش یافت، ارائه نان سفارشی در بسیاری از نانوایی های بارانه بگیر معمول شد و نانوایی های "آزادپز" نیز برای عرضه نان مرغوب و عالی با قیمت آزاد به دست مشتریان پولدار در گوشه و کنار شهر ایجاد شدند.

حال در چنین آشفته بازاری از وضعیت نان، و در شرایطی که تورم لجام گسیخته و گرانی کمر شکن اقلام مصرفی، به بی رحمانه ترین شکل ممکن بر گلوئی توده های مردم ایران چنگ انداخته است، رسانه های دولتی نظیر کیهان و خبرگزاری تسنیم روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت، از افزایش خودسرانه و ۵۰ درصدی قیمت نان توسط نانوایی خبر دادند.

حسن حنانه، قائم مقام مدیر عامل شرکت بازرگانی دولتی ایران نیز در گفتگو با ایلنا، با اشاره به اینکه تعیین قیمت مصوب نان به استانداری های هر استان واگذار شده است، گفت: "هر ساله در ابتدای سال بر اساس آنالیز هزینه های تمام شده، قیمت نان توسط استانداری ها تعیین و اعلام می شود؛ اما با توجه به اینکه سال ۱۴۰۰ را با ماه رمضان شروع کردیم این تغییر قیمت به بعد از این ماه موکول شد".

در واقع بر خلاف ادعای کیهان و تسنیم، افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان هرگز اقدامی خودسرانه از طرف نانوایی ها نبود، بلکه بالا رفتن این میزان از نرخ نان برای سال جاری با تایید دولت جمهوری اسلامی صورت گرفت. اقدامی که پس از چندین روز گمانه زنی های رایج در جمهوری اسلامی، سرانجام روز شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰، افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان توسط نصیری، رئیس اتحادیه نانوایان کرج به طور رسمی تایید و به عنوان "نرخ جدید" به نانوایی ها ابلاغ شد.

قصه پر درد افزایش قیمت نان و دست درازی دولت به قوت اصلی توده های مردم ایران، قصه امروز و دیروز نیست. سال های مدیدی است که کارگران و زحمتکشان ایران با موج سرسام آور

در صفحه ۲

قیمت های انحصاری و سودهای هنگفت شرکت های داروسازی جهان

جهان در یک سال و نیم گذشته کار خود را از دست داده اند. تعداد مردمی که فقیر شده اند، روز به روز در حال افزایش است. اما در جهانی که بنیاد آن بر استثمار، نابرابری و فقر بنا نهاده شده، اگر از یک سو کرونا برای میلیاردها انسان مرگ، درد و رنج، بیکاری و فقر به بار آورده است، در سوی دیگر، کرونا افزایش سود، انباشت سرمایه و رفاه بیشتر برای ثروتمندان به ارمغان آورده است. سرمایه داران جهان در همین

پاندمی کوید ۱۹ مصائب بزرگی برای مردم زحمتکش سراسر جهان به بار آورده است. بر طبق آمار رسمی که البته بازتاب تمام واقعیت نیست، تاکنون نزدیک به ۵ / ۳ میلیون انسان در نتیجه این بیماری جان باخته اند. این مرگومیر وحشتناک همچنان ادامه دارد و هر روز هزاران تن بر تعداد کسانی که جان خود را از دست می دهند، افزوده می شود. میلیون ها تن گرفتار عوارض این بیماری اند. فاجعه اما بسیار گسترده تر است. صدها هزار تن از مردم سراسر

در صفحه ۳

گام بعدی هفت تپه، کنترل و نظارت کارگری



روز شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰، رأی شعبه ۲۱ دادگاه حقوقی تهران مبنی بر ابطال واگذاری و فسخ قرارداد بخش خصوصی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اعلام شد. در رسانه های رسمی از نوع "تسنیم" تصریح شد که از اسدیگی و رستنی خلع مالکیت شده و اداره شرکت و مالکیت آن به دولت واگذار شده است.

این خبر که معنایش یک گام به پیش و پیروزی

در صفحه ۱۰

مردن در سرزمینی که مزد گورکن از بهای آزادی آدمی افزون است

شنبه ۱۸ اردیبهشت ساعت ۴ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر، هنگامی که زنگ پایان یک روز تلاش برای آموختن و یادگیری برای ۷۵۰ دانش آموز دختر مدرسه "سیدالشهدا" در محله دشت برچی در غرب کابل به صدا درآمد و دخترکان معصوم با آرزوهای شان به سمت خانه به راه افتادند، انفجار یک خودروی بمب گذاری شده و سپس دو انفجار دیگر، بیش از ۸۵ تن از آنها را که اغلب کمتر از ۱۶ سال سن داشتند به کام مرگ فرو برد و حداقل ۱۱۰ نفر دیگر را زخمی ساخت.

در صفحه ۴

۷ به دفاع از مبارزات مستقل ملت فلسطین برخیزیم!

پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به کارگران هفت تپه!

۶ این پیروزی بزرگ را تبریک میگوییم

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۵ تنها دخالت بشریت مترقی می تواند به جنگ در فلسطین پایان دهد!

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

دست درازی روز افزون دولت بر "نان" مردم

گرانی نان و افزایش قیمت در دیگر کالاها، مصرفی و خوراکی مواجهه اند. افزایش سرسام آوری که هر ساله برای خوراکی ها دست کم به میزان ۵۰ درصد و بعضا تا ۱۰۰ درصد و بیشتر هم همراه بوده است. با این همه و به رغم تورم روز افزون و افزایش بالای قیمت ها که در ابعادی کم سابقه بر سفره توده های مردم ایران هجوم آورده است، پروسه افزایش سالیانه قیمت نان در مقایسه با دیگر اقلام خوراکی، همواره با کمی احتیاط صورت گرفته است. دلیل این امر هم به لحاظ نقش تعیین کننده ای است که مصرف "نان" به عنوان غذای اصلی اکثریت قریب به اتفاق توده های مردم ایران در زندگی آنان داشته و دارد.

بر کسی پوشیده نیست که "نان" به عنوان قوت اصلی کارگران و عموم توده های زحمتکش ایران، همواره نقش پر رنگی در سفره غذایی آنان داشته است. اهمیت مصرف بالای نان در زندگی روزانه عموم مردم ایران تا بدان حد است که بعد از تصمیم هیئت حاکمه در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد مبنی بر قطع کامل سوبسید اقلام مصرفی، دولت به جای قطع کامل و یکباره سوبسید آرد و نان، به قطع پلکانی آن روی آورد. امتناع دولت از دست درازی یکباره به "نان" مردم، نه از سر خیرخواهی که صرفا به دلیل نگرانی و ترس از وقوع اعتراضات عمومی کارگران و توده های زحمتکش نسبت به گرانی یکباره "نان" به عنوان قوت اصلی آنان بود. وضعیتی شکننده که خیرگزاری امنیتی تسنیم روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت، طی گزارشی نسبت به گران شدن ۵۰ درصدی نرخ نان هشدار داد و نوشت: "ادامه این هرج و مرج قیمت نان، بستر ساز اعتراض های اجتماعی خواهد بود".

اگرچه افزایش تدریجی قیمت نان توسط طبقه حاکم در پی اجرای سیاست اقتصادی نئولیبرالیستی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از زمان کابینه رفسنجانی شروع شد، اما اجرای این سیاست و دست درازی دولت به "نان" مردم در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد و حسن روحانی شدت یافت. به رغم اینکه قطع کامل سوبسید اقلام مصرفی به طور رسمی از سال ۸۹، تحت عنوان "قانون هدفمندی یارانه ها" شروع شد، اما این قانون در مورد آرد و گندم و نان، چه در دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد و چه در دوران زمامداری حسن روحانی ظاهرا با درجه ای از احتیاط همراه شد، که نتیجه این احتیاط و نگرانی دولت طی یک پروسه پلکانی قطع تدریجی سوبسید آرد و نان تا به امروز دنبال شده است.

تبعات اولیه اجرای سیاست نئولیبرالیستی دولت برای حنف سوبسید و آزاد سازی قیمت ها، علاوه بر افزایش لجام گسیخته تورم و تشدید گرانی کلبه اقلام مصرفی، در حوزه "نان" نیز دست کم به افزایش سالیانه ۳۰ درصدی منجر شد. افزایشی که از سال های پیش از اجرای "قانون هدفمندی یارانه ها" شروع شد و تا به امروز هم ادامه یافته است.

برای نمونه در سال ۸۴، قیمت هر قرص نان لواش ۲۵ تومان، بربری ۷۵ تومان و سنگک بیش از ۱۰۰ تومان بود. ۸ سال بعد، یعنی در سال پایانی ریاست جمهوری احمدی نژاد، قیمت رسمی هر

قرص نان لواش ۱۶۰ تومان، تافتون ۳۰۰ تومان، بربری ۵۰۰ تومان و سنگک ۶۰۰ تومان اعلام شد. در آذر ماه ۹۳، یعنی یک سال بعد از تشکیل اولین کابینه حسن روحانی، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان نان، قیمت هر قرص نان لواش را ۲۲۰ تومان، تافتون ۴۰۰ تومان، بربری ۷۰۰ تومان و سنگک را ۸۰۰ تومان اعلام کرد. این سیر صعودی افزایش قیمت نان در سال های بعد هم ادامه یافت و در مهرماه ۹۸، هر قرص نان لواش ۳۰۰ تومان، تافتون ۵۰۰ تومان، بربری ۱۰۰۰ تومان و سنگک ۱۲۰۰ تومان قیمت گذاری شد. قیمتی هایی که اکنون با افزایش ۵۰ درصدی مواجه شده اند.

افزایش رسمی و سالیانه قیمت نان، تنها یک طرف سکه دست درازی دولت به سفره مردم بوده است. طرف دیگر این سکه، کاهش کیفیت آرد و نان، کوچک شدن قد و قواره هر قرص نان، تفاوت نرخ نان در نانوایی های مختلف و سپس ایجاد نانوایی های "آزاد پز" با چند برابر قیمت رسمی نان به اصطلاح یارانه ای جهت عرضه نان به افراد بالادست و مرفه جامعه بود.

بیژن مقدم، رئیس اتحادیه نانوایان سنتی طی گفتگویی با ایسنا اعلام کرد: "دولت در انتهای دهه ۸۰ به این نتیجه رسید که باید در کنار واحدهای یارانه بگیر نانوایی، واحدهای آزادپز [تیز] فعال باشند، از این رو واحدهای آزادپز به تعداد مشخص در کشور فعال شدند که آرد آن ها به صورت آزاد تامین می شود. (خبرگزاری ایسنا دوم تیر ۱۳۹۸) در واقع دولت سرمایه داران، با ایجاد نانوایی های "آزادپز"، نان مرغوب و گنجدار را با چند برابر قیمت نان به اصطلاح یارانه ای بر سر سفره اغنیا برد تا آنان دیگر دغدغه "نان" مرغوب بر سفره هایشان را نداشته باشند. در عوض، سال از پی سال "نان" نامرغوب، سوخته، بی کیفیت و کوچک شده و در عین حال گران، بر سفره کارگران و زحمتکشان جای داده شد. چرا که به گفته بیژن مقدم، "این واحدها [آزادپز] به صورتی در سطح شهر قرار گرفته اند که واحدهای یارانه بگیر در محدوده آن ها قرار دارند و از نظر اقتصاد خانوار، هزینه کرد خرید نان را پوشش می دهند". (تاکید از ما است)

به عبارت دیگر، در حاکمیت ظالمانه جمهوری اسلامی، سال هاست که مصرف نان نیز مثل هر پدیده اجتماعی دیگر، رنگ و بوی طبقاتی به خود گرفته است. آنچنان رنگ و بویی که تفاوت طبقاتی آن نه فقط میان اقشار تهی دست و اغنیا مشهود است، بلکه حتی در دو منطقه جغرافیایی با دو بافت مرفه نشین تا حدودی غیر یکسان هم متفاوت است. به طور مثال، قیمت نان سنگک ساده آزادپز در خیابان پیروزی تهران، ۱۵۰۰ تومان، نان یک رو گنجد ۲۰۰۰ تومان و نان دو رو گنجد ۳۰۰۰ تومان است، در حالی که همین نان در منطقه جردن به ترتیب ۲ هزار تومان، ۳ هزار و ۵ هزار تومان عرضه می شود. (ایسنا دوم تیر ۹۸)

با اینهمه و به رغم افزایش هر ساله قیمت نان، کمتر نانوایی را در سطح کشور می توان یافت که نان را به قیمت نرخ های مصوب اعلام شده بفروشد. در آشفته بازار کنونی، نان در هر استان و شهر و

منطقه و حتی محله و خیابان، به یک نرخ فروخته می شود. در این میان فقط تعداد اندکی نانوایی های دولتی هستند که هنوز نان را به قیمت مصوب می فروشند. اما چه نانی را؟ نانی که طبق گزارش های متعدد رسانه های دولتی، با کیفیت پایین، اندازه های کوچک و کاهش وزن چانه های خمیر نان به مشنری عرضه می شوند.

قصه پر درد تورم و گرانی و افزایش سرسام آور قیمت ها، سال هاست بر گلوی توده های مردم ایران چنگ انداخته است. قصه پر دردی که در سال جاری نیز با تشدید و تعمیق تورم و افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان، باز هم پُر دردتر خواهد شد. روزگار تلخی که با ادامه شیوع اپیدمی کرونا و در پی بی تدبیری دولت جانپسند جمهوری اسلامی برای کارگران و زحمتکشان ایران سخت تر از پیش شده و خواهد شد. چرا که با اپیدمی کرونا، کارگران بیشتری بیکار می شوند، زنان و مردان دستفروش و کارگران روزمزد به خانه نشینی مجبور می شوند و آزادهای هشت سر تورم و گرانی، آحاد بیشتری را خواهد بلعید.

در چنین آشفته بازاری، سال هاست گوشت و مرغ و ماهی از سفره کارگران و عموم توده های زحمتکش حذف شده است. وقتی گوشت از سفره کارگران و توده های مردم ایران حذف شد، آنان هنوز به زنده ماندن امید داشتند، چرا که "نان" بر سفره بود. وقتی مرغ از سفره هایشان پر کشید و پوست مرغ جایگزین آن شد، باز هم دلخوش بودند که "نانی" برای خوردن هست. وقتی سفره شان از شیر و ماست و میوه تهی شد، اگر چه تلخ کام شدند، اما هنوز بوی نان سوخته بر سفره شان بود. وقتی با توطئه گری سرمایه داران از کار بیکار شدند، هنوز کورسوی امیدی به دل بود، که می توانند "نان" به نسبه ایتباع کنند. اکنون اما روند گرانی نان به گونه ای رقم خورده است، که انگار شنیدن بوی خوش و ناخوش "نان" نیز در حال پیوستن به رویاهای است.

اینهمه، تنها گوشه ای از روایت دردناک زندگی کارگران و توده های مردم ایران است. در نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی دهه هاست که تورم، افسار گسیخته پیش می تازد، گرانی یکم تازی می کند، فقر و تنگدستی بر زندگی کارگران و عموم توده های مردم ایران رخنه کرده است. حال در چنین وضعیت وخامت باری که گریبان مردم ایران را گرفته است، هیئت حاکمه بی وقفه بر اسب چموش گرانی رکاب می کوبد.

برکسی پوشیده نیست، جمهوری اسلامی دشمن مردم است. دشمنی دزد و فاسد و جانپسند که استمرار آن، تحمیل گرانی و تورم، تباهی و فقر و فلاکت و شوربختی بیشتر بر مردم است. حال در چنین شرایطی که طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار منافع آن، یکسره در فساد و بحران غوطه خور است، در شرایطی که استیصال و ناتوانی سرتاپای حاکمیت را فرا گرفته است، در شرایطی که اعتراضات توده های نسبت به وضعیت موجود، جای جای جامعه را فرا گرفته است، باید به این دست درازی روز افزون دولت بر "نان" مردم پایان داد. پایان دادن به تمام شوربختی های موجود ممکن نیست مگر با تشدید مبارزه و سرنگونی جمهوری اسلامی و نظم سرمایه داری حاکم بر ایران. تنها با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است که توده های مردم ایران به رفاه و آسایش و امنیت و آزادی دست خواهند یافت.

قیمت‌های انحصاری و سودهای هنگفت شرکت‌های داروسازی جهان

مدت ، سودهای افسانه‌ای اندوخته‌اند. ثروت میلیاردی جهان با رشد ۶۰ درصدی از ۸ تریلیون دلار به بیش از ۱۳ تریلیون افزایش یافت. تعداد میلیاردرهای جهان از ۶۶۰ به ۲۷۷۵ رسید. تعدادی از این ثروتمندانی که به صفوف میلیاردرهای جهان افزوده شدند، صاحبان و سهامداران بزرگ شرکت‌های دارویی هستند که از برکت بیماری و مرگ ناشی از کرونا شدیداً بر حجم سود و درآمدهای آن‌ها افزودند.

در جهان سرمایه‌داری کنونی، در رشته داروسازی نیز همانند دیگر رشته‌ها، تولید و توزیع دارو به انحصار چند شرکت درآمده است که در نتیجه همین سلطه انحصاری، بازار جهانی دارو را به انحصار خود درآورده، قیمت‌های انحصاری بر داروها وضع کرده و سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند. پاندومی کوید ۱۹ بازار این رشته را به شکلی بی‌سابقه رونق داده است. مسئله مرگ و زندگی میلیاردها انسان در دست آن‌ها قرار گرفته است.

انحصار تولید و توزیع واکسن در اختیار چند شرکت داروسازی و بهای گزافی که آن‌ها برای خرید آن تعیین کردند، مانع از آن گردید که میلیاردها انسان به‌ویژه در کشورهای فقیر و عقب‌مانده‌تر بتوانند سریعاً به واکسن دسترسی یابند، بیماری تحت کنترل درآید و تلفات کاهش یابد. از چند ماه پیش، تعدادی از کشورها خواستار لغو موقتی انحصار فرمول واکسن کرونا شدند. اما انحصارات و دولت‌های امپریالیست با این خواست مخالفت کردند. با گسترش بیماری و افزایش وسیع تلفات، مخالفت با این انحصار افزایش یافت و حتی گروهی از شخصیت‌های سیاسی و برندگان جوایز بین‌المللی صلح درخواست کردند که برای کاهش مرگومیر انسان‌ها به‌ویژه در کشورهای فقیر و عقب‌مانده و کنترل مؤثر این پاندومی ، شرکت‌های تولیدکننده به‌طور موقت تا پایان این بیماری از حق انحصاری خود بر تولید واکسن‌ها دست‌بردارند تا تمام کشورها بتوانند به بهای ارزان این واکسن‌ها را تولید کنند و جان میلیون‌ها انسان را نجات دهند. زیر این فشار و اعتراض جهانی، سرانجام رئیس‌جمهوری آمریکا ظاهراً با این پیشنهاد موافقت کرد، بدون این‌که اقدام عملی انجام دهد. اما نه‌فقط انحصارات داروسازی به‌شدت با آن مخالفت کردند، بلکه برخی از دولت‌های اروپایی کاسه داغ‌تر از آش شدند. مرکل صدراعظم آلمان، این نماینده انحصارات غارتگر آلمانی، با وقاحت تمام از انحصاری که به مرگ میلیون‌ها انسان انجامیده است، دفاع کرد و گفت:

" اعتقاد ندارم حذف حق انحصاری واکسن راه‌حلی برای در دسترس قرار گرفتن بیشتر آن برای جهانیان است. من اعتقاد دارم که ما به خلاقیت و قدرت ابتکار شرکت‌ها نیاز داریم و این شامل حمایت از حق ثبت اختراع است. به اعتقاد من زیر سؤال بردن حمایت از حق ثبت

اختراع راهی نیست که ما را به سمت واکسن بیشتر و بهتر سوق دهد." اما وی تنها نبود. رئیس‌جمهور فرانسه نیز به بهانه نداشتن دانش فنی با لغو انحصار و تعلیق حق امتیاز تولید واکسن کرونا مخالفت کرد و ادعا کرد بهتر است واکسن مجانی در اختیار کشورهای دیگر قرار گیرد. این هم از وعده توخالی ماکرون، نماینده دیگر انحصارات اروپایی. دلیل مخالفت انحصارات داروسازی و دولت‌های آن‌ها حتی در مورد تعلیق انحصاری که می‌تواند جان میلیون‌ها انسان را نجات دهد، پوشیده نیست. انحصار و سود انحصاری، قانون مقدس و تخطی‌ناپذیر سرمایه‌داری دوران سلطه انحصارات سرمایه‌داری است. جان میلیاردها انسان در برابر انحصارات و سودهای انحصاری پیشیزی ارزش ندارد. همان‌گونه که آن‌ها برای باز تقسیم بازارهای جهان تاکنون مکرر جنگ‌هایی را برافروخته‌اند که جان ده‌ها میلیون انسان را گرفته است.

اما ببینیم بیماری کرونا چه منافع کلانی برای انحصارات داروسازی در پی داشته که حتی حاضر نیستند، به‌طور موقت هم شده از آن دست‌بردارند.

در جهان کنونی ۵۰ شرکت داروسازی کوچک و بزرگ وجود دارند که تولید و توزیع دارو، تجهیزات پزشکی و درمانی را در بازار جهانی به انحصار خود درآورده‌اند.

درآمد این شرکت‌ها از ۱۲۲۸ / ۴۵ میلیارد دلار در ۲۰۲۰ به ۲۴ / ۱۲۵۰ میلیارد دلار در ۲۰۲۱ افزایش یافت. برآورد انستیتوی کوپننیل ای-ام-اس حاکی است که تا پایان سال جاری این درآمد به ۵ / ۱ تریلیون افزایش خواهد یافت. درآمد ۱۵ تا از مهم‌ترین این انحصارات در سال ۲۰۲۰ به ترتیب زیر بوده است: جانسون اند جانسون، ۶ / ۸۲ میلیارد دلار، سینو فارم ۷۰ / ۴۷ میلیارد دلار، روجه ۶۳ / ۶۴ میلیارد دلار، نوارتیس، ۴۷ / ۴۸، مرک، ۹۹ / ۴۷ میلیارد دلار، گلاکسوس، ۴۴ / ۴۶ میلیارد دلار، آبوی ۸۰ / ۴۵ میلیارد دلار، سانوفی، ۱۵ / ۴۳ میلیارد دلار، بریستول مایرز، ۵۲ / ۴۲ میلیارد دلار، فایزر، ۹۰ / ۴۱ میلیارد دلار، بایر ۴ / ۴۱ میلیارد دلار، آبوت ۶۱ / ۳۴ میلیارد دلار، آسترانیکا، ۶ / ۲۶ میلیارد دلار، آمگن، ۴۰ / ۲۵ میلیارد دلار، الیللی، ۵۴ / ۲۴ میلیارد دلار. کوچک‌ترین این شرکت‌ها نیز با درآمد حدود ۳ میلیارد دلار، در ردیف ۵۰، آروبیندوی هندی است.

اما تا جایی که به مهم‌ترین انحصارات تولیدکننده واکسن کوید ۱۹ مربوط می‌شود، انحصار داروسازی فایزر که یکی از اصلی‌ترین شرکت‌های تولیدکننده واکسن کوید است، با درآمد نزدیک به ۶ / ۴۲ میلیارد دلار در سال گذشته ۹ / ۶ میلیارد دلار سود عاید خود کرد.

درآمد این شرکت در سه‌ماهه نخست سال جاری به ۶ / ۱۴ میلیارد دلار رسیده که ۴۵ درصد بیش از سه ماه نخست سال گذشته است. فایزر و شریک آن، بیون تک، تاکنون سفارش ۸ / ۱

میلیارد دوز واکسن را برای تحویل در سال ۲۰۲۱ و اولین قراردادهای آن برای ۲۰۲۲ امضا کرده‌اند.

هر دوز واکسن فایزر در آمریکا به بهای ۳۹ دلار و در اروپا و اسرائیل حدود ۳۰ دلار فروخته شده است.

با توجه به افزایش تقاضای واکسن در سال جدید، ارزیابی شده است که در سال ۲۰۲۱ درآمد این انحصار بین ۴۴ تا ۴۶ میلیارد خواهد بود و لااقل ۱۴ میلیارد سود عاید آن خواهد شد. بیون تک آلمانی، شریک این انحصار نیز هم‌اکنون اعلام کرده است که در سه ماه نخست سال جاری، ۳۷ / ۱ میلیارد دلار سود خالص به دست آورده است.

باید توجه داشت شرکت‌هایی که اکنون سود هنگفتی از واکسن کوید به دست می‌آورند، درآمدهای کلان دیگری از بابت فروش تولیدات و خدمات انحصاری تخصصی خود دارند. از جمله فایزر از فروش داروهای غدد سرطانی در ۳ ماه نخست سال ۲۰۲۱ بیش از ۸ / ۲ میلیارد دلار سود کسب کرده است.

مدرنا یکی دیگر از این انحصارات تولیدکننده واکسن است که برای سال جاری حدود یک میلیارد واکسن پیش‌فروش کرده است. واکسن مدرنا در آمریکا ۳۰ دلار و در اروپا ۳۶ دلار فروخته شده است. موسسه گلدمن ساکس پیش‌بینی کرده است که شرکت مدرنا از فروش واکسن کرونا در سال جاری ۲ / ۱۳ میلیارد دلار درآمد خواهد داشت. سود این شرکت نیز ۵ میلیارد دلار ارزیابی شده است.

آسترانیکا نیز به‌مرغ این‌که مدعی است واکسن را برای سود تولید نمی‌کند و این واکسن بین ۵ / ۴ و ۱۰ دلار به فروش رفته است، با این‌وجود در سال گذشته با درآمد ۶ / ۲۶ میلیارد دلار، سود این شرکت نیز بیش از دو برابر شد. در سال گذشته افزایش سود این شرکت سه میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بوده است.

به گزارش آکسفام در ۱۲ ماه گذشته آسترانیکا، فایزر، جانسون اند جانسون ۲۶ میلیارد دلار سود سهام را به سهامداران خود دادند. رقمی که برای واکسناسیون لاقول ۳ / ۱ میلیارد از جمعیت جهان کافی است.

در حالی که سود خالص فایزر در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۱ در مقایسه با سه‌ماهه اول سال گذشته رشد ۴۵ درصدی داشته است برای آسترانیکا این رشد ۱۶۷ درصد است.

یکی دیگر از شرکت‌هایی که ادعا می‌کند برای کسب سود واکسن کرونا تولید نمی‌کند، جانسون اند جانسون است که بهای هر دوز واکسن را ۱۰ دلار می‌فروشد. سود این شرکت نیز در سه‌ماهه نخست سال جاری ۹ / ۶ درصد افزایش یافته است.

واکسن‌های چینی سینوفارم نیز ۲۷ تا ۶۰ دلار و اسپوتنیک روسی ۲۰ دلار فروخته شده‌اند.

در طول یک سال گذشته یک کارزار تبلیغاتی گسترده میان انحصارات تولیدکننده واکسن کرونا برای معرفی کردن برتری تولیدات خود در جریان بوده است تا بتوانند سود انحصاری ناشی از قیمت‌های انحصاری خود را افزایش دهند. برای پی بردن به حجم سودهای هنگفتی که انحصارات دارویی با وضع قیمت‌های انحصاری

مردن در سرزمینی که مزدگورکن از بهای آزادی آدمی افزون است

کتاب‌های سوخته در آتش ارتجاع مذهبی، زندگی‌ها و دفترهای سوخته که از تلاش و سرسختی صاحبان آن خیر می‌دادند و بوی عشق و زندگی در آن‌ها موج می‌زد، کفش‌های برجامانده، تن‌های تکه تکه شده، زخم‌هایی که بر تن ۱۱۰ دانش‌آموز فرود آمد، زخم‌هایی که بر روح ۷۵۰ کودک فرود آمد، زخم‌هایی که بر خانواده‌های جان باختگان این حادثه شوم فرود آمد و هرگز فراموش خواهند شد. زخم‌های جنایتی که روش کار و روالی معمول در میان اسلام‌گرایان جنایتکاری از نوع داعش، طالبان، القاعده، جمهوری اسلامی ایران و مانند آن‌هاست، روش کثیف و خیانت‌آمیزی که بارها علیه مردم بی‌گناه به‌کار برده‌اند.

یک روز بعد از این جنایت علیه انسانیت، هزاران تن از اهالی دشت برچی و خانواده‌های جان‌باختگان این انفجار شوم در قبرستانی در غرب کابل گردآمده و عزیزانشان را به خاک سپردند. جسد ۴۵ تن از این دخترکان اما به‌گونه‌ای بود که در گوری دسته‌جمعی به خاک سپرده شدند و آن مکان را به یاد آن‌ها، به یاد آن کودکان با آرزوهای دوست‌داشتنی و زیبا، "تپه معارف" نام نهادند.

کودکانی از محروم‌ترین مناطق کابل، منطقه‌ای از کابل با یک میلیون نفر از قوم هزاره، کودکانی که برای درس خواندن انگیزه‌های بسیاری داشتند و برخی از آن‌ها برای تامین هزینه‌های مدرسه و کمک به خانواده شب‌ها قالی می‌بافتند و روزها درس می‌خواندند.

ستاد دادخواهی قربانیان که شامل خانواده‌های جان‌باختگان این حادثه نیز می‌شود با انتشار بیانیه‌ای نوشت: "دولت افغانستان تا به حال در قسمت تامین امنیت مردم ما به ویژه مردم غرب کابل اقدامات لازم را روی دست نگرفته. بیش از ده‌ها حمله انتحاری و انفجاری در این منطقه‌ی پایتخت صورت گرفت، بیش از هزاران نفر کشته و زخمی شدند، اما دولت و نهادهای امنیتی پس از هر رویداد خونین، با وعده اذعان مردم را منحرف و به اصل مشکل نپرداختند و در زمینه تامین اساسی امنیت غرب کابل هیچ اقدامی نکرده‌اند." در همین حادثه اخیر نیز تازه یک ساعت پس از انفجار سروکله ماموران امنیتی در محل حادثه پیدا شد.

درست یک سال قبل ۲۳ اردیبهشت ۹۹ در همین محله، سه مهاجم مسلح به یک بیمارستان (زایشگاه) پزشکان بدون مرز حمله کردند که منجر به کشته شدن ۱۶ نفر از جمله ۲ نوزاد و زخمی شدن ۱۶ تن دیگر گردید. روز ۳ آبان سال ۹۹ نیز در همین محله دانش‌آموزان مرکز آموزشی "کوثر دانش" توسط یک بمب‌گذار انتحاری به خاک و خون کشیده شدند و ۳۶ تن کشته و ۷۲ نفر دیگر مجروح شدند، قربانیان این حادثه نیز بین ۱۶ تا ۲۰ سال سن داشتند. چند روز بعد، ۱۲ اردیبهشت، مهاجمان مسلح به دانشگاه کابل حمله کردند. در جریان این حمله ۲۲ نفر کشته و حدود ۴۰ نفر زخمی شدند که عموماً دانشجو بودند. اگرچه شاخه خراسان گروه

داعش مسئولیت این دو حمله اخیر را برعهده گرفت، اما دولت افغانستان مدعی شد که طراح اصلی حمله به دانشگاه و مرکز آموزشی کوثر را که سه سال در دانشکده شرعیات درس خوانده و عضو شبکه حقانی (از گروه‌های طالبان) بود، دستگیر کرده است. در ارتباط با حمله به زایشگاه و انفجار اخیر مدرسه دخترانه "سیدالشهدا" اما هیچ گروهی مسئولیت آن را برعهده نگرفت!

در پی انفجار در برابر مدرسه دخترانه "سیدالشهدا"، مقامات دولتی و طالبان یکدیگر را متهم به دست داشتن در این انفجار شوم و قتل‌عام دانش‌آموزان کردند. طالبان مدعی شد که این انفجار توسط داعش صورت گرفته و داعش با استخبارات دولت افغانستان همدست و در ارتباط هستند و دولت نیز مدعی شد این انفجار کار طالبان است و حتی اگر داعش نیز مسئولیت آن را قبول کند، این طالبان است که امکانات لازم را برای داعش فراهم آورده است. آن‌ها برای اثبات فرضیه خود بر نقش گروه حقانی در حمله به دانشگاه کابل و مرکز آموزشی "کوثر دانش" انگشت گذاشتند.

جنگ داخلی افغانستان و هرج و مرج حاکم، هر روز قربانیانی از مردم بی‌گناه افغانستان از جمله کودکان می‌گیرد، و افزایش ناامنی در شرایط مشخص کنونی، بیش از همه به نفع طالبان و به ضرر دولت است. طالبان در سایه‌ی گسترش ناامنی می‌خواهد ضعف دولت فاسد افغانستان را عیان‌تر و گروه خود را به‌عنوان گروهی قدرتمند که می‌تواند امنیت را در افغانستان برقرار سازد به افغان‌ها بقبولاند. بنابراین با یک حساب ساده می‌توان دریافت که انفجار در برابر مدرسه سیدالشهدا و به خون خفتن بیش از ۸۵ نفر همسو با سیاست‌های جنایتکارانه گروه طالبان است. گروهی که دست‌اش به خون هزاران غیرنظامی افغان آلوده است که تنها یکی از آن‌ها کشتار هزاران غیرنظامی در پی تصرف مزار شریف در مرداد سال ۷۷ است.

اگر هم طالبان دوشنبه ۲۰ اردیبهشت (تنها دو روز بعد از قتل‌عام کودکان) به مناسبت "عید فطر" یک‌جانبه اعلام آتش‌بس سه روزه کرد در راستای اهداف سیاسی طالبان و قدرتمند نشان دادن خود برای تصمیم‌گیری در مورد جنگ و صلح است و البته ناگفته نماند که با درخواست تمدید آتش‌بس نیز موافقت نکرد. طالبان هم‌چنین با انداختن تقصیر این اتفاق وحشتناک بر گردن دولت و اعلام آتش‌بس ۳ روزه تلاش کرد تا افکار عمومی را که در پی این اتفاق انگشت به سوی طالبان به‌عنوان عامل این انفجار گرفته است، منحرف سازد.

در رابطه با مذاکرات صلح نیز طالبان همین سیاست را در پیش گرفته است و در عمل این طالبان است که تصمیم می‌گیرد مذاکره ادامه یابد یا نه؟! و دولت افغانستان در عمل تنها تماشاگر این مساله تاکنون بوده است. همان‌طور که بعد از وقفه‌ای بسیار طولانی در مذاکرات، روز شنبه هیاتی از طالبان نشستنی با تیم مذاکره‌کننده دولت

با هدف "تسریع در مذاکرات" برگزار کرد. نشستی که قرار نبود هیچ نتیجه‌ی مشخصی به همراه داشته باشد و به همراه نیز نیامورد. برای طالبان هدف از این نشست فقط وقت تلف کردن است و این‌که در ظاهر نشان دهد همچنان پای میز مذاکره است، چرا که جنگ داخلی در افغانستان با این مذاکرات هرگز به پایان نخواهد رسید. طالبان می‌خواهد از موضع برتر شرایط خود را به طرف مقابل تحمیل کند و تحقق این موضع برتر را در گسترش جنگ داخلی می‌بیند، اما شرایط طالبان در مذاکرات به‌گونه‌ای است که پذیرش آن برای دولت افغانستان نیز امکان‌پذیر نیست.

این که طالبان زیر بار آتش‌بس نمی‌رود دقیقاً از همین زاویه است، حتی همین آتش‌بس سه روزه نیز برای مردم افغانستان بدون کشتار و فاجعه نبود و باز تعدادی از مردم افغان به خاک و خون کشیده شدند. مردمی که سال‌هاست قربانی این جنگ داخلی ارتجاعی هستند، جنگی که نه خواست آن‌هاست و نه در راستای منافع آن‌ها.

در همان روزی که طالبان اعلام آتش‌بس کرد، بر اثر اصابت یک بمب کنار جاده‌ای به یک اتوبوس مسافربری حداقل ۱۱ نفر کشته و ۲۸ نفر زخمی شدند. ۵شنبه ۲۳ اردیبهشت و تنها ساعاتی پس از آغاز آتش‌بس، بر اثر چهار بمب‌گذاری در نقاط مختلف افغانستان حداقل ۱۱ غیرنظامی کشته و ۱۳ نفر مجروح شدند. روز جمعه نیز انفجار در مسجدی در حومه کابل حداقل ۱۲ کشته و ۱۵ زخمی برجای گذاشت.

برای مردم افغانستان مساله عینی و واقعی که روزمره با آن درگیر هستند این است که بعد از مذاکرات دولت آمریکا و طالبان که دولت افغانستان در آن به بازی گرفته نشد، نه تنها از مصائب مردم افغانستان کم نشد و نه تنها از دامنه حملات طالبان کاسته نشد که مدام بر این حملات که غیرنظامیان بزرگ‌ترین قربانیان آن هستند افزوده نیز شده است. ۵ هزار زندانی طالب نیز به‌رغم تعهدی که برای عدم شرکت در جنگ داخلی افغانستان برای آزادی داده بودند، پس از آزادی به گروه طالبان پیوسته و این‌گونه با افزوده شدن ۵ هزار نفر بر تعداد جنگجویان طالبان، بر قدرت تهاجمی طالبان شدیداً افزوده شد.

اما چرا مردم افغانستان چهار دهه است که روزانه قربانی این جنگ داخلی ارتجاعی می‌شوند؟ جنگی که بویژه در ماه‌های اخیر بر شدت آن افزوده شده و دلیل آن نیز روشن است، طالبان بر این گمان است که با تشدید جنگ داخلی و فلج کردن دولت می‌تواند با زور اسلحه قدرت را در دست بگیرد.

پس از سرنگونی طالبان توسط نیروهای نظامی آمریکا با کمک ائتلاف شمال، تا مدتی طالبان نقش خود را در افغانستان از دست داد و بقایای طالبان عموماً به مناطق کوهستانی پاکستان در نزدیکی مرز افغانستان پناه بردند. اما حاصل دولتی که در افغانستان بعد از شکست طالبان مستقر شد و قرار بود با همکاری دولت‌های امپریالیست "دموکراسی" و "رفاه" برای مردم افغانستان به ارمغان آورد، چیزی جز ناکارایی و فساد دولتی و تداوم فقر و بیکاری مردم افغانستان نبود. عواملی که باعث شدند هم طالبان دوباره قدرتمند شود و هم بر نقش دولت‌های منطقه‌ای و در صفحه ۵

مردن در سرزمینی که مزد گورکن از بهای آزادی آدمی افزون است

جهانی در سرنوشت افغانستان افزوده شد تا جایی که افغانستان در سایه‌ی یک دولت فاسد و بی‌کفایت، تبدیل به محلی برای نزاع و رقابت قدرت‌های خارجی تبدیل شد که یک نمونه آن سیاست‌های جمهوری اسلامی در تقویت گروه‌های تروریستی از جمله طالبان برای ضربه زدن به نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در افغانستان است، سیاستی که مهم‌ترین نتیجه‌ی آن تقویت طالبان بود. تنها یادآوری کنیم که رهبر پیشین طالبان هنگام بازگشت از ایران بود که توسط نیروهای نظامی آمریکا کشته شد و همچنین ارسال اسلحه از سوی دولت ایران برای گروه‌های تروریستی افغانستان بویژه طالبان و حتی آموزش نظامی آن‌ها از سوی سپاه پاسداران یک موضوع کاملاً روشن برای همگان است. طالبان توانست با توجه به پول و اسلحه‌ای که از دو دولت پاکستان و ایران و برخی شیخ نشین های منطقه گرفت و بهره‌گیری از دیگر منابع مالی مانند تجارت مواد مخدر و باج‌گیری از مردم، از میان جوانان محروم و بی‌کار جامعه که توسط دولت فاسد افغانستان هرگز دیده نشده بودند، سربازگیری کند و بار دیگر به یک نیروی شبه نظامی مقتدر در صحنه‌ی سیاسی افغانستان تبدیل شده و بسیاری از مناطق افغانستان را تحت سلطه خود بگیرد. تا جایی که ۱۶ اردیبهشت طالبان توانست کنترل سد دهله دومین سد بزرگ افغانستان در ولایت قندهار را به دست بگیرد و ۲۲ اردیبهشت، پیش از آتش‌بس سه روزه، شهرستان یرخ در ۴۰ کیلومتری کابل را نیز با بیش از ۶۰ هزار نفر جمعیت تحت کنترل خود درآورد، شهری که به عنوان دروازه‌ای برای رسیدن به کابل مورد توجه طالبان قرار دارد.

اما این نیز واقعیتیست که قبضه کامل قدرت توسط طالبان، بازگشت به دوران قبل از سال ۲۰۰۱ و پایان جنگ داخلی با توجه به تغییراتی که این سال‌ها افغانستان شاهد آن بوده و مجموعه‌ی نیروهای داخلی و خارجی که در صحنه‌ی سیاسی افغانستان نقش بازی می‌کنند، امکان‌پذیر نیست. یکی از معضلات مهم افغانستان نقش سران احزاب فاسدی است که هر کدامشان به قدرتی خارجی وابسته هستند و یا در بهترین حالت به کمک‌های یک قدرت خارجی وابسته هستند. جامعه‌ی افغانستان هنوز با معضلات قومی و طایفه‌ای روبروست که ریشه در مناسبات ماقبل سرمایه‌داری دارد. به‌اصطلاح سران اقوام و طوایف هر کدام برای خود احزاب و دسته‌های شبه‌نظامی خاص خود را دارند، مانند عبدالرشید دوستم که از سویی از به‌اصطلاح سران ازبک‌های افغانستان است و از سوی دیگر از طرف دولت ترکیه حمایت می‌شود. سران به‌اصطلاح طوایف و اقوام بزرگ ساکن افغانستان همچون هزاره، پشتون، تاجیک و ازبک در کنار اقوام کم‌جمعیت‌تر همچون بلوچ و ترکمن هر کدام از سوی یک منبع خارجی تغذیه می‌شوند از دولت‌های ایران

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



تنها دخالت بشریت مترقی می‌تواند به جنگ در فلسطین پایان دهد!

بیش از یک هفته است که مردم فلسطین بار دیگر قربانی جنگی ویرانگر شده‌اند که در یک سوی آن یک رژیم نژادپرست و اشغالگر قرار گرفته و در سوی دیگر، یک جریان ارتجاعی اسلامی و تروریستی که به نام مردم فلسطین در آتش این جنگ می‌دمد، در یک طرف یکی از قوی‌ترین زرادخانه‌های نظامی و در طرف دیگر موشک پرانی نیرویی که صحنه را برای اعلام حضور خود مناسب می‌بیند. اگر در روزهای اول این ساکنین عرب زبان اسرائیل بودند که قربانی سرکوبگری پلیس و نیروهای امنیتی اسرائیل و تهاجمات شهرک نشینان راست افراطی قرار می‌گرفتند، اکنون ساکنین نوار غزه هستند که زیر حملات هوایی رژیم اشغالگر باید خانه‌هایشان بر سرشان خراب شود.

نتانیاهو نخست‌وزیر نژادپرست اسرائیل با تمجید از نیروهای پلیس، این جنایات و آتش باران و بخون کشیدن غزه را روند پایتخت سازی بیت المقدس از جانب مردم اسرائیل معرفی می‌کند. همان سیاستی که ترامپ در جریان "معامله قرن" اش رسمیت بخشید. قرار است تبدیل کردن بیت المقدس به پایتخت اسرائیل از مسیر پاکسازی قومی و به خون کشیدن مردم تحت ستم و حق طلب فلسطین بگذرد. این سیاست و سخنان گستاخانه‌چیزی جز تقدیس یک طرح اشغالگرانه نیست. دولت اسرائیل به شهرک سازی تاکتونی در بیت المقدس شرقی به منظور تغییر ترکیب جمعیت آن بسنده نکرده و چشم انداز جابجایی را در برابر فلسطینیان که چهل درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند قرار داده است. شهرک نشینان راست افراطی تا دندان مسلح که سیاستمداران راست آنها را سازمان داده و تجهیز کرده‌اند، اصرار دارند که دادگاه عالی اسرائیل اخراج خانواده‌های فلسطینی را از بیت المقدس شرقی رسمیت ببخشد.

هفتاد و سه سال بعد از روز "فاجعه" که در آن هفتصد هزار فلسطینی در جریان حملات تجاوزکارانه دولت جدید التاسیس اسرائیل از روستاها و خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده و صدها شهر و روستا خالی از جمعیت و یا تخریب گردیدند، که ره آورد آن تجاوز، آواره نشینی بیش از چهار میلیون فلسطینی در اردن، سوریه، لبنان، در اردوگاه‌ها و یا در زندان بزرگ غزه است. اکنون نیز باید فلسطینیان ساکن اورشلیم پاکسازی شوند و ساکنین غزه به خون کشیده شوند تا آخرین گام‌ها برای پاکسازی قومی برداشته شود. این تاریخ خونبار هفتاد و سه ساله، هم شرح جنایت‌هایی است که در حق فلسطینی‌ها روا رفته است و هم تاریخ مقاومت‌های پرشور همین مردم و هم تاریخ تراژدی مردمی که بعد از هفتاد و سه سال جریانات بیرحم، عقب مانده و ارتجاعی چون حماس، حزب الله و با جمهوری اسلامی در نقش مدافعین آنان ظاهر می‌شوند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بر این باور است، اگر دولت نژاد پرست و جریانات راست افراطی اسرائیل و نیز دولت‌های امپریالیستی همراه با جنبش ارتجاعی اسلامی از این جنگ و جدال بهره می‌جویند، اما مردم کارگر و زحمتکش فلسطین و اسرائیل هیچ نفعی در آن ندارند. تنها اقدام مشترک همین مردم و پشتیبانی بی دریغ بشریت مترقی از حق عادلانه مردم فلسطین برای تشکیل یک دولت مستقل و بازگشت اسرائیل به مرزهای سال ۱۹۴۷ می‌تواند بر این تراژدی تاریخی نکته پایانی بگذارد. تظاهرات مشترک نیروهای مترقی و پیشرو اسرائیل همراه با اعراب ساکن اسرائیل علیه این بربریت همزمان با این جنگ و جدال خونین در شهرهای اورشلیم و تل‌آویو بیان آشکار این امر است که بدیل انسانی و پیشرو برای پایان دادن به این بحران تاریخی موجود است. این بدیل تنها می‌تواند مبتنی بر آزادیخواهی و برابری طلبی و ایجاد کشور مستقل فلسطین باشد.

از حق حیات مردم فلسطین دفاع کنیم! در مقابل این جنگ خونین ساکت نباشیم! زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

اردیبهشت ۱۴۰۰ برابر با ۱۴ مه ۲۰۲۱

امضاء ها : اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

در فقر و بیکاری غرق شده‌اند و بی‌شک تا زمانی که مردم افغانستان اجازه بدهند قدرت‌های خارجی و احزاب و شبه‌نظامیان فاسد و جنایتکار در مورد افغانستان و مردم آن تصمیم بگیرند، شرایط برای مردم افغانستان، برای مردم ستمدیده‌ی این مرز و بوم بهتر نخواهد شد و در فقر و بیکاری همچنان قربانیان این جنگ داخلی ارتجاعی خواهند ماند.

و پاکستان و دولت‌های آسیای میانه گرفته تا روسیه، چین و هند و حتی ترکیه، آمریکا و اروپا. برای احزاب قدرت‌طلب و گروه‌های نظامی و شبه‌نظامی افغانستان و دولت‌های خارجی، آنچه که در این دعوای جایی ندارد همان مردم افغانستان هستند، همان مردمی که قربانیان این جنگ داخلی ظالمانه هستند، همان دخترکاتی که این‌گونه وحشیانه سلاخی شدند، همان مردمی که



پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به کارگران هفت تپه!

این پیروزی بزرگ را تبریک می‌گوییم

کارگران هفت تپه! رفقا!

پنج سال اعتراض و مبارزه آگاهانه و سازمانیافته شما به ثمر نشست. در این پنج سال جنبش کارگری و همه نیروهای مدافع و حامی مبارزات کارگران هفت تپه شاهد صحنه‌های پرشور اعتراضات شما اعم از اعتصابات کوتاه و بلند مدت، گردهمایی‌ها در صحن کارخانه و در سنگر، راهپیمایی‌ها در شوش و جلو فرمانداری، پیوستن پرشور خانواده‌های کارگری و مردم به اعتراض و مبارزه برحق شما بودند. توطئه‌ها و فریب کاریها، علیه مبارزات شما و اخراج و تهدید و احضار و زندان و شکنجه و پرونده سازیها علیه نمایندگان صاحب اراده و مدافعین جسورتان از چشم کسی پنهان نماند و خنثی شدند. ما واقفیم که اراده و ایستادگی متحدانه و جمعی و فردی شما کارگران مبارز، توطئه‌ها و ترفندهای متعدد کارفرما و حامیان دولتی و غیر دولتی استثمارگران را خنثی کرد و راه پیشروی و پیروزی کنونی شما را هموار کرد. بر خلاف پروپاگاندا گمراه کننده و بی پایه، خلع ید اسدبگویی‌های فاسد و ضد کارگر مستقیماً حاصل اتحاد، مبارزه، استقامت و اصرار شما بر خواسته‌های برحق تان بود و نه هیچ چیز دیگر. ما در این دوره پریش مبارزاتی در کنار شما بودیم. پیروزی شما، پیروزی کل جنبش کارگری ایران و پیروزی ما نیروهای چپ و کمونیست و همه جریانات و انسانی‌هایی است که در ایران و در سطح جهان خود را در مبارزه شما شریک میدانند. این پیروزی بزرگ و شیرین را صمیمانه و رقیقانه تبریک می‌گوییم.

نمایندگان متعهد و صاحب صلاحیت شما در جشن پیروزی یکشنبه نوزدهم اردیبهشت به درست اعلام کردند، تازه این آغاز راه برای پیگیری خواسته‌های متعددی است که هنوز تحقق نیافته‌اند. تاکید کردند، با جاری کردن نظارت کارگری بر امور و اداره شرکت هفت تپه و اتکا به تشکل مستقل کارگری، شورایی و مجمع عمومی نمایندگان خود، در موقعیت مساعد جدید، با اتحاد محکمتر و اعتماد بنفس بالاتر، پیگیر خواسته‌های متحقق نشده خواهید بود. پیشبرد چنین خط مشی و اقدامات روشن بینانه تضمین کننده پیشرویهای بعدی شما است. در عین حال اطمینان داریم، با هوشیاری متوجه طرحها و توطئه‌های متعدد سرمایه داران و دولت حامی شان در ادامه مبارزه و اکنون هستیم. امیدواریم مثل دوره پنج ساله گذشته و با اتکا به تجارب کسب شده، طرحها و ترفندها، مانورها و تهدیدات و کار شکنی‌های متعدد آنها را خنثی کنید.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از بخشهای مختلف جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی رادیکال میخواهد، با تکیه به درسها و تجارب با ارزش مبارزات کارگران هفت تپه برای گسترش سراسری مبارزات کارگری و توده‌ای علیه وضع موجود، علیه سرمایه داری و حکومت آن بکوشند. همراهی و همبستگی خود را با کارگران هفت تپه محکم کنند. ما نیروهای چپ و کمونیست بر تعهدمان پای می‌نشانیم، همانطور که در تمامی سالهای گذشته، در کنار مبارزات و رنج و مشکلات کارگران هفت تپه بوده ایم، در ادامه نیز بیدریغ همگام مبارزات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، این بخش پیشرو جنبش کارگری خواهیم بود.

زنده باد مبارزات کارگران هفت تپه

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۲ مه ۲۰۲۱

قیمت‌های انحصاری و سودهای هنگفت شرکت‌های داروسازی جهان

عاید خود کرده‌اند، باید اشاره کرد که هزینه تولید این واکسن‌ها بسیار پایین‌تر از قیمتی است که حتی واکسن‌های ارزان‌قیمت‌تر از نمونه آسترانیکا به فروش می‌رسند.

بر طبق تحقیقات کالج امپریال لندن هزینه تولید واکسن‌های جدید ام-ا-ان، بین ۶۰ سنت تا ۲ دلار هر دوز است. حال مجسم کنید فایزر و مدرنا با فروش هر دوز واکسن ۳۰ تا ۴۰ دلاری چه سود هنگفتی به دست می‌آورند.

اما انحصارات داروسازی در یک سال گذشته، تنها از بابت فروش دارو سودهای هنگفت به جیب نزدند. بیماری کرونا بهای سهام این شرکت‌ها را در طول ۱۲ ماه گذشته گاه به چند برابر افزایش داد. بهای سهام بیون تک در این مدت ۲۵۰ درصد، مدرنا ۱۸۷ درصد، کیرواک ۴۵ / ۵ درصد، جانسون اند جانسون ۷ / ۷ درصد، افزایش یافت. برخی از سهامداران بزرگ این انحصارات با فروش بخشی از سهام خود، صدها میلیون دلار به جیب زدند. انحصارات داروسازی در حالی قیمت‌های انحصاری بالایی بر واکسن‌های کرونا وضع کرده‌اند که میلیاردها دلار توسط دولت‌ها از مالیات مردم به آن‌ها کمک شد و مؤسسات تحقیقاتی عمومی و دانشگاهی، اطلاعات خود را برای تولید واکسن در اختیار آن‌ها قرار دادند. برای نمونه واکسن مدرنا که ارزیابی می‌شود در ۲۰۲۱ مبلغ ۵ میلیارد دلار سود به دست خواهد آورد، ۴۵ / ۵ میلیارد دلار از کمک‌های عمومی به دست آورد. بیون تک نیز کمک‌های مالی کلانی از دولت آلمان دریافت کرد. بقیه این شرکت‌ها نیز بر همین منوال کمک‌های بزرگ مالی و تحقیقاتی بزرگی دریافت کردند.

انحصار تولید واکسن کرونا توسط چند شرکت داروسازی و قیمت‌های انحصاری باعث گردید که پس از گذشت یک سال و نیم از شیوع جهانی بیماری، میلیاردها تن از مردم جهان از واکسن محروم بمانند و روزانه هزاران تن جان خود را از دست بدهند. دولت‌های کشورهای ثروتمند سرمایه‌داری با پیش‌خرید انواع مختلف واکسن و واکسیناسیون مجانی هم‌اکنون در کشورشان به مرحله‌ای از ائمنی جمعی رسیده‌اند که اغلب محدودیت‌ها را نیز ملغی ساخته‌اند. مدرنا ۹۷ درصد و فایزر ۸۵ درصد از واکسن‌های خود را به کشورهای ثروتمند سرمایه‌داری اختصاص دادند.

بنابراین از بابت دسترسی به واکسن نیز شکاف بزرگی میان کشورهای ثروتمند و فقیر سرمایه‌داری ایجاد شده است. بر طبق گزارشی که آکسفام حدود یک ماه پیش انتشار داد، در کشورهای ثروتمند از هر چهار نفر یک نفر واکسن دریافت کرده است، در کشورهای فقیر، از هر ۵۰۰ نفر یک نفر. همچنین از اواسط آوریل، کشورهای ثروتمند بیش از ۸۷ درصد از ۷۰۰ میلیون دوز واکسن کویدی را که در جهان

دست خود گرفته و سود این انحصارات است که مرگ و زندگی انسان‌ها را تعیین می‌کنند. میلیون‌ها انسان در درد و رنج، جان می‌بازند، تا میلیاردها دلار سود عاید سرمایه‌داران گردد.

توزیع‌شده دریافت کرده‌اند، درحالی‌که کشورهای فقیر تنها ۲ / ۰ درصد. این است سیمای جهانی که انحصارات اقتصادی و دولت‌های امپریالیست، سرنوشت میلیاردها انسان را در



به دفاع از مبارزات مستقل ملت فلسطین برخیزیم!

جنگ میان حماس و دولت اسرائیل، که از اوایل این هفته شدت و حدت بیشتری یافته است، در کنار ده‌ها کشته و زخمی، ویرانی و آوارگی بسیاری از فلسطینی‌های ساکن نوار غزه، سبب شده امکان زندگی مسالمت آمیز بین ساکنین عرب و یهود اسرائیل غیر قابل تصور گردد. زندگی مسالمت‌آمیز، علیرغم شرایط سخت زندگی اعراب اسرائیلی و تضییقات روزمره، در همسایگی جای خود را به جنگ داخلی سپرده است.

از سویی گروه‌های تندرو راست‌گرای یهودی در خیابان‌های تل‌آویو و دیگر مناطق اسرائیل، حمله به محل سکونت و کسب و کار اعراب اسرائیلی را همراه با شعارهای نژادپرستانه در دستور کار قرار داده‌اند و از سویی دیگر جوانان عرب ساکن مناطق یهودی‌نشین به اقدامات مشابهی روی آورده‌اند.

اعتراضات اخیر به دنبال تصمیم به تخلیه اجباری ساکنین عرب چند خانه در منطقه شیخ جراح و "استرداد" آنان به مالکان یهودی، به عنوان بخشی از سیاست "یهودی‌سازی" اورشلیم، آغاز گردید. شکل‌گیری این اعتراضات بدنال چنین تصمیمی قابل پیش‌بینی بود. از طرف دیگر آشکار بود که حضور گسترده پلیس اسرائیل در محوطه حرم الشریف، درست مقابل مسجد الاقصی، به تشدید اعتراضات منجر خواهد شد و بهانه‌ای در دست نیروهای مرتجع برای تبدیل این اعتراضات به نزاع مذهبی خواهد بود.

حضور گسترده پلیس و سرکوب بی‌رحمانه معترضین در این مکان حماس را وارد میدان کرد و به او امکان داد برای جهت‌دهی به اعتراضات به نفع خود تلاش کند.

نگاهی به شرایط موجود طرفین درگیر نشان می‌دهد، که نتانیاها و حماس و متحدان مرتجع منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها خواهان تشدید اوضاع بوده و می‌باشند.

بنیامین نتانیاها نخست وزیر اسرائیل، که تحت فشار پرونده‌های فساد خود قرار دارد و به دنبال انتخابات اخیر اکثریت پارلمانی خود را از دست داده است، اکنون به عنوان رهبر نظامی در برابر "تهدید امنیت اسرائیل" عرض اندام می‌کند و از این طریق افکار عمومی و نمایندگان مجلس اسرائیل را به حمایت وامی‌دارد. حماس نیز از یک طرف قادر شد تا حرکت مستقل جوانان شورشی را خنثی کند و از طرف دیگر، این جریان که سال‌هاست با بحران مشروعیت روبروست، اکنون می‌کوشد با شلیک موشک، خود را در رأس "جنبش مقاومت" جا بزند و شرایط خود را در برابر رقیب دیگر فلسطینی، الفتح، بهبود بخشد.

در کنار کشورهای امپریالیستی و در مجموع ارتجاع بین‌المللی، کشورهای مختلف ارتجاعی منطقه هم در تلاشند از این جنگ تا حد امکان به سود خود استفاده کنند. برخی دولت‌های عرب منطقه مانند عربستان سعودی و متحدانش به دنبال تلاش اخیرشان برای نزدیکی به رژیم صهیونیستی، قادر نیستند مدعی منافع ملت فلسطین شوند. دولت شبه فاشیستی اردوغان در ترکیه و حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی نیز به عنوان رقبای منطقه‌ای در تلاش برای بهره‌برداری از این شرایط می‌باشند.

بازندگان و قربانیان جنگی که با ابزار و قدرت نظامی کاملاً غیرمتوازی در جریان است، ساکنین مناطق اسرائیلی و نوار غزه هستند، که به دنبال نجات خویش در برابر حملات هوایی ارتش اسرائیل و موشک‌های حماس می‌باشند.

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن محکوم کردن کشتار مردم غیرنظامی، خواهان رعایت بی‌قید و شرط حقوق مردم فلسطینی ساکن اسرائیل و مناطق اشغالی بوده و همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان را به دفاع از مبارزات مردم فلسطین فرا می‌خواند. افشای جنایات رژیم صهیونیستی و ارتجاع منطقه‌ای و بین‌المللی تنها از طریق دفاع از مبارزات مستقل مردم فلسطین و تقویت این مبارزات امکان‌پذیر است.

زنده باد همبستگی بین‌المللی
کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۴ ماه مه ۲۰۲۱

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران

گام بعدی هفتپه، کنترل و نظارت کارگری



اولیه چنین تشکلی که بانام شورای مستقل کارگران هفتپه متشکل از نمایندگان کارگران بخش‌های مختلف در پاییز سال ۹۷ به وجود آمد وجود دارد. اما این هنوز کافی نیست. تغییر و تحولات و تجارب سه‌ساله اخیر و نیز شرایط جدید بعد از خلع پد از مالک خصوصی، ایجاب می‌کند که کارگران هفتپه در اولین اقدام خود یک تشکل مستقل و انسجام‌یافته را سازمان دهند. بسیار مهم است که این تشکل به همت و ابتکار خود کارگران ایجاد شود، از ماندات و حمایت بدنه کارگری برخوردار باشد و بتواند خود را تحکیم کند. مهم نیست این تشکل چه نامی داشته باشد، مهم اما این است که کارکرد و وظایف آن با شرایط کنونی و اعمال کنترل و نظارت کارگری منطبق باشد. جنبش کارگری جهانی تجارب گوناگونی را در این زمینه به ثبت رسانده و اشکالی از سازمان‌دهی را در دستور کار کارگران کشورهای مختلف قرار داده است که با سنت‌ها و تجارب مبارزاتی کارگران خوانایی داشته است. در برخی کشورها کارگران در چنین مقطعی خود را در کمیسیون‌های کارگری متشکل نموده‌اند. در پاره‌ای دیگر از کشورها کمیته‌های کارگری را سازمان داده‌اند و در برخی دیگر شوراهای کارگری. البته شورا نه به معنای ارگان اعمال قدرت و اراده سیاسی کارگران، بلکه برای اعمال کنترل و نظارت کارگری از نمونه آنچه در ایتالیا به وجود آمد. این تشکل‌ها علی‌رغم آنکه نام‌های مختلفی دارند و همگی با طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی حاکم درگیر و چنگ در چنگ شده‌اند، اما اهم وظایف آن‌ها اعمال کنترل و نظارت کارگری بوده است. کارگران متشکل در چنین تشکل‌هایی ضمن انجام وظایف یادشده و در پروسه مبارزه طبقاتی دانش و آگاهی سیاسی خود را نیز ارتقا می‌دهند. در ساختار این تشکل‌ها این استعداد و ظرفیت وجود دارد که خود را برای نیازهای مراحل عالی‌تر و پیشرفته‌تر مبارزه طبقاتی آماده کنند. برخلاف اتحادیه‌های صنفی کارگری، این تشکل‌ها می‌توانند مبنای قابلیت‌های پرورش پرولترها را فراهم سازند و آگاهی سیاسی کارگران را افزایش دهند. این‌گونه تشکل‌های مستقل کارگری استعداد آن را دارند بدان درجه رشد و ارتقا یابند که نه فقط این یا آن شرکت و کارخانه، بلکه تمام جامعه را اداره کنند. بنابراین بدون فوت وقت باید تشکل مستقل کارگران هفتپه را سازمان داد و پروسه کنترل و نظارت کارگری را آغاز کرد. در مرحله بعدی، سندیکای مبارز کارگران نیشکر هفتپه و ضرورت ترمیم و بازسازی آن در صفحه ۹

است. کارگران هفتپه از هم‌اکنون بایستی این تدارکات را فراهم سازند و خود را به ابزارهای ضروری پیشروی‌های حال و آینده و تجهیزات ضروری تعمیق مبارزه طبقاتی مجهز سازند. همگان می‌دانند که کارگران هفتپه از روز اولی که خواست و شعار خلع پد از اسدبیکگی و رستمی و لغو خصوصی‌سازی شرکت نیشکر هفتپه و اداره آن توسط دولت را مطرح نموده‌اند، بر نظارت کارگری و مشارکت کارگران در اداره امور شرکت نیز تأکید داشته و تا این لحظه بر سر پیمان خویش ایستاده‌اند. برای اعمال یک چنین نظارت و مشارکتی اما باید ابزار ضروری آن را که معطوف به تقویت تشکل یابی و نقش و موقعیت کارگران است فراهم ساخت.

پیروزی و شور و شوق کارگران مبارز هفتپه، جوانه‌های امید به آینده و پیشرفت‌های بعدی را بارور ساخته و اعتمادبهنفس کارگران را بیش‌ازپیش تقویت نموده است. این پیروزی و مجموعه شرایط حاکم بر جامعه در لحظه فعلی، زمینه‌های لازم برای انسجام یابی بیشتر و ایجاد و تقویت و تحکیم تشکل مستقل و مناسبی که بتواند تشکل یابی و سازمان‌دهی کارگران را تقویت کند و وظیفه اعمال کنترل و نظارت کارگری را انجام دهد، به وجود آورده است. خوشبختانه هم سندیکای مبارز کارگران هفتپه و هم اسماعیل بخشی و دیگر کارگران پیشرو هفتپه به این نیاز مبرم و مهم آگاهی دارند و نه فقط در طرح ضرورت تشکل، بلکه برای ایجاد آن نیز پیش‌قدم شده‌اند. سندیکای کارگران نیشکر هفتپه در بیانیه خود می‌نویسد: آنچه در شرایط کنونی بسیار حائز اهمیت است این هست که کارگران باید در اولین اقدام، خود را در تشکل مستقل کارگری سازمان‌دهی کنند. تشکلی که به نیروی کارگران ایجادشده باشد و بتواند با نظر و خرد جمعی کارگران خود را سازمان‌دهی کند. اسماعیل بخشی نیز طی ده روز اخیر بارها بر ضرورت تشکل و نظارت کارگران بر امور شرکت تأکید نموده و ضمن اشاره به سابقه تشکل یابی در هفتپه، از راه‌اندازی "مجمع نمایندگان" برای ایجاد و رسمیت داد به تشکل مستقل کارگران هفتپه سخن گفته است.

تا جایی که به امر تشکل یابی و ایجاد تشکل مستقل کارگران هفتپه برمی‌گردد، می‌توان در جهت ایجاد، تقویت و تحکیم دو شکل مشخص سازمانی که در هفتپه سابقه دارد تلاش نمود. در مرحله اول بسیار ضروری و مهم است که کارگران هفتپه، تشکل مستقل خود را که بتواند مبارزات کارگران را در مرحله کنونی سازمان دهد و موضوع بسیار مهم و حیاتی کنترل و نظارت کارگری را عملی سازد ایجاد و تقویت کنند. سوابق فعالیت کارگران آگاه هفتپه البته حاکی از این واقعیت است که نطفه‌ها و ماتریال

نویسندگان نشریه اینترنتی گام بازداشت و زندانی شدند و سپیده قلیان از مبارزان و حامیان جدی کارگران هفتپه نیز هنوز در زندان است. کارگران قهرمان هفتپه، درنبردی بزرگ و نابرابر، درد و رنج‌ها و هزینه‌های زیادی را متحمل شدند، احضار و بازداشت و زندانی و اخراج و حتی شکنجه شدند، از تند پیچ‌های مهم و خطرناکی که دشمن بر سر راهشان قرار داده بود به سلامت عبور کردند، اتحاد و استقلال خویش را حفظ کردند و سرانجام سرفرازانه جام پیروزی را سر کشیدند و خواست و شعار "نه رستمی نه بیگی - شرکت بشه دولتی" را به کرسی نشاندند.

این پیروزی نشان داد که اگر کارگران اتحاد داشته باشند، اگر محکم پشت‌هم بایستند و دچار سردرگمی در بیراهه‌های دشمنان و مغرضان ریزودرشت و لغزش و نفاق نشوند، اگر پیگیرانه به مبارزه ادامه دهند، می‌توانند سرمایه‌داران را به عقب‌نشینی وادار کنند. پیروزی کارگران هفتپه برخلاف نظر معهود افراد و گرایش‌های بی‌ربط با جنبش کارگری که می‌خواهند آن را ناچیز و بی‌اهمیت جلوه دهند، درجای خود بسیار مهم است. مهم است به دلیل اینکه راه را برای



پیشروی‌های بعدی می‌گشاید. مهم است به دلیل آنکه در مسیر راهپیمایی طولانی پر سنگلاخ و ناهموار کارگران هفتپه، گام اول برداشته‌شده است. به گفته اسماعیل بخشی " این پیروزی، یک‌قدم بزرگ بود و مقدمه‌ای برای برداشتن قدم‌های بعدی" است. بنابراین، پیروزی کارگران هفتپه قطعاً مهم است اما این فقط مقدمه پیروزی‌های بعدی باید باشد و هست. نبرد کارگران هفتپه تازه آغاز شده و به یک تعبیر وارد مرحله جدیدی شده است. این سخن اسماعیل بخشی نماینده برجسته کارگران هفتپه و ابراهیم عباسی و یوسف بهمنی که "ما تازه به نقطه صفر رسیدیم" دال بر همین برداشت و گویای این واقعیت است که کارگر هفتپه آگاه است و می‌داند که پیروزی کنونی را باید با پیروزی‌های بعدی تکمیل کند.

هر کارگر آگاه یقیناً این را می‌داند که دور جدید مبارزات کارگران هفتپه که با خلع پد از مالک خصوصی شرکت، تازه آغاز شده، بسی مشکل‌تر و پیچیده‌تر از ۵ سال گذشته است و خواهد بود. تعمیق و تداوم مبارزه، نیازمند تدارکات کافی

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

گام بعدی هفتتپه، کنترل و نظارت کارگران



بازگرداند. کارگر هفتتپه قبل از هر موضوعی اکنون باید این نکته ملکه ذهنش باشد که " ما می‌توانیم".

نکته بسیار مهم دیگری که تحت هر شرایطی نباید فراموش کرد، توطئه علیه فعالان کارگری، توطئه علیه حامیان کارگران هفتتپه، توطئه علیه تشکل مستقل و سندیکای مبارز کارگران نیشکر هفتتپه و خدشدار ساختن مبارزات کارگران هفتتپه است.

پرونده‌سازی علیه فرزانه زیلابی وکیل جسور کارگران هفتتپه که در این سال‌ها همواره در کنار و یاور کارگران هفتتپه بوده است، نمونه‌ای از اقدامات سرکوبگرانه و توطئه آمیز علیه کارگران است. سوءاستفاده از تجمع و جشن و سرور کارگران و آوردن پرچم جمهوری اسلامی و نیز تهیه بنر با امضای "کارگران نیشکر هفتتپه" مبنی بر تشکر از نمایندگان مجلس و ابراهیم رئیسی به خاطر خلع ید از اسدبیک، نشانه و نمونه دیگری از اقدامات توطئه گرانه طبقه حاکم است. بدون شک تلاش‌های زیادی انجام شده و انجام خواهد شد که مبارزات دلاورانه و فعالیت‌های موفقیت‌آمیز کارگران هفتتپه نادیده گرفته و یا خدشدار شود. اما مبارزات شجاعانه و اعتصابات مکرر و چندین ساله کارگران هفتتپه قابل کتمان نیست و علاوه بر این کارگران هفتتپه نیز هوشیارتر، آگاهتر و باتجربتر از آن هستند که در دام چنین خرابکاری‌هایی گرفتار شوند و یا با چنین ترفندهایی بتوان به مقابله آن‌ها رفت. کارگران هفتتپه با حفظ اتحاد و هوشیاری و استقلال مبارزاتی و با ایجاد و تحکیم تشکل مستقل کارگران هفتتپه و انجام اقداماتی که فوقاً به آن اشاره شد، به‌سادگی قادرند این تیپ توطئه‌ها را نیز خنثی سازند و از همه این پیچ‌ها و کمین‌گذاری‌ها به سلامت و سرفرازی عبور کنند.

مبارزاتی به‌ویژه اعتمادبهنفس در میان کارگران بالا است، وقت آن است که این اقدامات را نیز عملی سازند. رأی دادگاه در مورد خلع ید از اسدبیک و رستمی و ابطال واگذاری کشت و صنعت نیشکر هفتتپه در زمستان ۹۹ صادر شد اما به‌رغم خواست و اصرار کارگران هفتتپه، این رأی و تصمیم‌گیری در رسانه‌ها و به‌طور رسمی اعلام نشد. "تسنیم" علت تأخیر در اعلام حکم دادگاه را "تمهید شرایط انتقال مالکیت توسط دولت و جلوگیری از به وجود آمدن مشکلات کارگری" اعلام کرد. اما هرکس این را می‌داند که جناح‌های حکومتی سرگرم تبلیغات انتخاباتی و بازارگرایی برای خود هستند و هیچ بعید نیست که خواسته‌اند از رویدادهای کارگری در هفتتپه و ماجرای خلع ید از بخش خصوصی، به سود خود بهره‌برداری کنند. اعلام خبر خلع مالکیت از اسدبیک و رستمی سه ماه بعد از صدور رأی و هم‌زمانی آن با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری، آشکارا یک بهره‌برداری تبلیغاتی به سود یک جناح حکومت است. شواهد دیگری نیز حاکی از آن است که پاره‌ای از رسانه‌ها به بحث‌هایی دامن زده و حتی گفتگوها و نظرات برخی کارگران را نیز انعکاس داده‌اند تا در آستانه مضحکه انتخاباتی، فضای حاکم بر رسانه‌ها را اندکی تلطیف دهند. تردیدی در این مسئله نیست که حاکمیت و جناح‌های آن از هر موضوع و هر فرصتی به سود خود استفاده می‌کنند. کارگران نیز می‌توانند با ارزیابی از شرایط، از موقعیت کنونی استفاده نموده، صدای خود را رساتر سازند و گام‌های مهمی برای متشکل شدن خویش بردارند. استفاده وسیع از شبکه‌های مجازی، سخنرانی‌ها بحث و گفتگو در رسانه‌ها در همین راستا است. این‌ها فعالیت‌های بسیار تأثیرگذار و مهمی هستند که درحال حاضر اسماعیل بخشی، ابراهیم عباسی، یوسف بهمنی، محمد خنیفر و برخی دیگر از کارگران پیشرو هفتتپه دارند انجام می‌دهند. اکنون اما باید عرصه فعالیت را گسترش بیشتری داد. باید دست‌به‌کار شد و تشکل مستقل کارگران هفتتپه را دایر کرد، سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه را ترمیم و بازسازی کرد و همه کارگران خرابکاری را به سرکار

است. قریب به ۱۴ سال از بازگشائی سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه در آبان سال ۱۳۸۷ گذشته است. فعالیت‌های مثبت و خدمات سندیکا به کارگران هفتتپه را حتی دشمنان این سندیکا نیز نمی‌توانند انکار کنند. سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه در طی این سال‌ها، تحولات گوناگونی را از سر گذرانده است. بسیاری از فعالان اصلی آن بارها بازداشت و زندانی شده‌اند. برخی دیگر از اعضای اولیه هیئت‌مدیره، سندیکا را ترک نموده و یا اخراج شده‌اند. پایه‌گذاران اصلی سندیکای کارگران نیشکر هفتتپه از همان آغاز و حتی پیش از اعلام رسمی موجودیت سندیکا، مورد تعقیب و پیگرد و سرکوب دستگاه امنیتی قرار گرفتند. اما به‌رغم تمام دشواری‌ها و محدودیت‌ها و هزینه‌ها، این سندیکا به همت کارگران آگاه و پیشرو و با حمایت گسترده کارگران هفتتپه پا گرفت. تعقیب و پیگرد مداوم پلیسی و پرونده‌سازی برای فعالان سندیکا از یک‌سو، خرابکاری‌ها و سمپاشی‌های عناصر وازده سابقاً عضو سندیکا از سوی دیگر، ضربات ملموسی بر سندیکا وارد ساخت و نه‌فقط موانع جدی بر سر راه ایفای نقش سندیکا به‌عنوان یک تشکل توده‌ای ایجاد کرد، بلکه مانع از این شد که سندیکا در مقاطع مختلف و لازم، مجمع عمومی خود را برگزار نماید. اکنون با توجه به شرایط و موقعیت استثنایی که پیروزی کارگران هفتتپه آن را رقم زده است، وقت آن است که سندیکای کارگران هفتتپه تحرکی تازه از خود نشان دهد. البته تا آن جا که یک سندیکای کارگری تحت حاکمیت ارتجاع اسلامی و در غیاب آزادی‌های سیاسی می‌تواند حیات فعالی داشته باشد. و مجمع عمومی خود را به هر شکل ممکن و مناسب برگزار نماید تا کارگران هفتتپه بتوانند اعضای کافی برای هیئت‌مدیره سندیکا انتخاب کنند، خون تازه‌ای در رگان سندیکای محبوب خویش جاری سازند و برای همیشه بر تمام بدگویی‌ها، سمپاشی‌ها و حرف‌های بی‌پایه بدخواهان و دشمنان سندیکا پایان دهند.

نکته بسیار مهم دیگر در لحظه کنونی مبارزات کارگران هفتتپه، بازگشت به کار اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان خضری، سالار بیژنی و بقیه کارگران اخراجی است. اخراج این کارگران تماماً در دوره اسدبیک دزد و فاسد و ابر قاپاچی ارز رخداده و به‌کلی از اعتبار ساقط است. این کارگران اخراجی به‌فوریت باید به سرکارهای خود بازگردند و تمام خسارات دوره اخراج بایستی به این کارگران پرداخت شود. لباس کاری که در روز جشن پیروزی کارگران هفتتپه از طرف کارگران به اسماعیل بخشی هدیه داده شد، حرف آخر کارگران در مورد بازگشت به کار اسماعیل بخشی بود. کارگران هفتتپه البته برای تحقق این خواست مبارزه کرده و تلاش‌های زیادی انجام داده‌اند، اکنون اما باید به نحو جدی‌تری این خواست را دنبال کنند و آن را عملی سازند.

موارد یادشده کمترین اقداماتی است که کارگران هفتتپه در این دوره می‌توانند آن را دنبال کنند. اکنون که کارگران هفتتپه طعم نخستین مرحله پیروزی را چشیده‌اند و شور و شوق و روحیه



گام بعدی هفتتپه، کنترل و نظارت کارگری



مرحله‌های کارگران هفتتپه بود، به‌حق، موجی از شادی و جشن و پای‌کوبی کارگران شرکت نیشکر هفتتپه را در پی داشت و کام‌نقط کارگران این شرکت، بلکه سایر کارگران و تمام حامیان کارگران هفتتپه را شیرین ساخت. کارگران مبارز هفتتپه بعد از ۵ سال مبارزه مستمر و سازمان‌دهی ده‌ها اعتصاب بزرگ و تجمعات و اعتراضات خیابانی مکرر، توانستند یکی از خواست‌های خود را به دولت بقیولانند. در جریان این مبارزات، سایر اقشار زحمتکش نیز به حمایت از کارگران هفتتپه برخاستند و بسیاری از حامیان کارگران هفتتپه از نمونه

در صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 920 May 2021



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی